

فضایل ذهن

تحقیق در ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت

آیندا زگربسکی

ترجمه

امیرحسین خداپرست



نشر کردن

- سرشناسه: زاگزبسکی، لیندا ترینکاوس، ۱۹۴۶ م.
Zagzebski, Linda Trinkaus
عنوان و نام پدیدآور: فضایل ذهن: تحقیقی در اهمیت فضیلت / مبانی اخلاقی معرفت / نویسنده لیندا زگزبسکی؛
مترجم امیرحسین خداپرست.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۵۰۴ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴؛ س.م.
شابک: 978-600-96452-8-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Virtues of the mind: an inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge, 1996.
موضوع: شناخت (فلسفه)
Knowledge, Theory of: موضوع:
موضوع: فضیلت
Virtue: موضوع:
موضوع: اخلاق
Ethics: موضوع:
موضوع: دوراندیشی
Prudence: موضوع:
شناسه افزوده: خداپرست، امیرحسین، ۱۳۶۳ - ، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف۶۱/ز۱۶ BD
رده بندی دیویی: ۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۷۶۸۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

ناشر: نشر کرد: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

telegram.me/kargadanpub



نشر کرد

مجموعه معرفت فلسفی - ۲ -

دبیر مجموعه: بابک عباسی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

فضایل ذهن: تحقیقی در ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت

نویسنده: لیندا زگربسکی

ترجمه: امیرحسین خداپرست (عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

ویراستار علمی: بابک عباسی

ویراستار زبانی: سیاره مهین‌فر

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۲-۸-۲

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

معرفت‌شناسی، در کنار متافیزیک و نظریه ارزش، یکی از سه قلمرو کهن فلسفه است. اهمیت این گونه از تأمل فلسفی ناشی از اهمیت باورهای ما، و اهمیت تماس شناختی درست با جهان (محیط و انسان‌های دیگر) است. اگرچه قدمت معرفت‌شناسی به قدمت خود فلسفه است، این شاخه از فلسفه در نیمه دوم قرن بیستم وارد مرحله جدیدی در پرباری از حیات خود شد، به نحوی که شاید بتوان از تأسیس مجدد معرفت‌شناسی در این عصر سخن گفت. از آن زمان شتاب تحولات در این قلمرو نسبتاً سریع بوده است، و دهه‌های اخیر نیز تحت تأثیر تحولاتی در عرصه علوم زیستی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و خود فلسفه، افق‌های جدیدی پیش روی این نوع فلسفه‌ورزی گشوده شده است.

در زبان فارسی نیز خوشبختانه بیس از یک دهه است که توجه و علاقه به این حوزه رو به افزایش است به نحوی که معرفت‌شناسی به درس‌های مصوب دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز راه پیدا کرده است. این امر نیاز به متون متنوع و جدیدتر در این رشته را، در کنار متون آموزشی، مهم و خریزناپذیر می‌کند، متونی که بتواند تصویری از این تحولات و عرصه‌های جدید عرضه کند.

در این مجموعه می‌کوشیم دستکم برخی از این افق‌های جدید که سابقه چندانی در زبان فارسی نداشته است، معرفی کنیم. معرفت‌شناسی فضیلت، معرفت‌شناسی پدیدارشناسانه، معرفت‌شناسی تکاملی، و معرفت‌شناسی اجتماعی برخی از قلمروهای جدیدی است که این مجموعه سعی در معرفی آنها دارد. امیدواریم انتشار این مجال جدیدی برای تأمل و تعمق همه دوستداران معرفت پدید آورد.

فهرست

۱	مقدمه مترجم
۷	یادداشت‌ها بر ترجمه فارسی
۹	سپاسگزاری
۱۳	مقدمه
۲۱	بخش اول: روش‌شناسی معرفت‌شناسی
۲۴	۱. کاربرد نظریه اخلاق در معرفت‌شناسی
۲۸	۱-۱. نظریه‌های معرفت معاصر و الگوهای اخلاقی‌شان
۳۹	۱-۲. برخی مزایای نظریه‌های فضیلت‌بنیاد
۵۸	۲. مشکلات معرفت‌شناسی معاصر
۵۸	۲-۱. مسائل مربوط به مفهوم توجیه
۷۶	۲-۲. غفلت از فهم و حکمت
	۳. دلایل بیشتر بر آزمون رویکرد فضیلت‌گرایانه:
۸۶	نسبت بین باورها و احساسات
	۴. اشکالی بر الگو گرفتن فلسفه اخلاق در ارزیابی معرفت‌شناختی:
۹۵	مناقشه بر سر ارادی بودن باور

- ۹۷ ۱-۴. بی‌ربطی این اشکال به نظریه فضیلت -----
- ۹۹ ۲-۴. ارادی بودن باور -----
- ۱۱۱ ۳-۴. بخت اخلاقی و معرفتی -----
- ۱۱۵ ۵. نتیجه بخش اول: چرا فضایل را محور معرفت‌شناسی قرار دهیم؟ -----

- ۱۱۹ بخش دوم: نظریه فضیلت و ردیلت -----
- ۱۲۱ ۱. انواع نظریه‌های فضیلت -----
- ۱۲۹ ۲. ماهیت فضیلت -----
- ۱۲۹ ۱-۱. تصویرهای متکثر از فضیلت -----
- ۱۳۶ ۲-۲. فضیلت و خیر -----
- ۱۵۱ ۳-۲. تمایز فضایل از تعلیمات طبیعی -----
- ۱۵۷ ۴-۲. تمایز فضایل از مهارت‌ها -----
- ۱۷۰ ۵-۲. فضیلت و عادت -----
- ۱۸۳ ۶-۲. فضایل، احساسات و انگیزش -----
- ۱۹۵ ۷-۲. تبیین کلی فضیلت -----
- ۱۹۹ ۳. فضیلت‌های فکری و اخلاقی -----
- ۱۹۹ ۱-۳. تمیز ارسطو بین فضیلت‌های فکری و اخلاقی -----
- ۲۲۵ ۲-۳. برخی روابط بین فضیلت‌های فکری و اخلاق -----
- ۲۳۵ ۴. دو مؤلفه فضیلت‌های فکری -----
- ۲۳۶ ۱-۴. انگیزش برای معرفت و موفقیت اعتمادپذیر -----
- ۲۳۹ ۱-۱-۴. انگیزش برای معرفت -----
- ۲۴۹ ۲-۱-۴. مؤلفه موفقیت فضیلت‌های فکری -----
- ۲۶۰ ۳-۱-۴. دیدگاه مونتمارکت در باب صدق‌رسانی فضایل -----
- ۲۷۲ ۴-۱-۴. انگیزش زیاده از حد -----

۲۷۶	۲-۴. ارزش مؤلفه‌های فضیلت‌های فکری
۲۷۷	۲-۴. ۱. ارزش فضیلت فکری در نظریهٔ سعادت‌بنیاد
۲۸۳	۲-۴. ۲. ارزش فضیلت فکری در نظریهٔ انگیزش‌بنیاد
۲۹۵	۵. اهمیت فرونسیس
۲۹۵	۵-۱. دیدگاه ارسطو و آکویناس در باب حکمت عملی
۳۰۶	۵-۲. طرحی در باب کارکرد فرونسیس
۳۲۲	۶. تعریف مفاهیم وظیفه‌شناسانه
۳۲۳	۶-۱. افعال درست، باورهای موجه
۳۴۲	۶-۱. ۱. اعمال، تعین فضیلت
۳۵۰	۶-۳. قرار از طبیعه
۳۵۲	۷. نتیجهٔ بخش دوم: مروج اخلاقی
۳۵۹	بخش سوم: ماهیت معرفت
۳۶۰	۱. معرفت و اخلاق باور
۳۶۵	۲. تعریف معرفت
۳۶۵	۲-۱. تعریف
۳۷۷	۲-۲. معرفت عالی و دانی
۳۹۰	۳. اشکال‌های گتیه
۳۹۰	۳-۱. مشکلی برای نظریه‌های بصرم
۴۰۴	۳-۲. حل اشکال‌های گتیه در نظریهٔ فضیلت
۴۱۲	۴. اعتمادگرایی
۴۱۳	۴-۱. اشکال‌هایی بر اعتمادگرایی
۴۲۸	۴-۲. اشکال‌های قابل پیش‌بینی بر نظریهٔ من از منظر اعتمادگرایی



۴۳۹ ۵. نظریه کارکرد درست پلنتینگا

۴۵۲ ۶. هماهنگ ساختن وجوه درونی و بیرونی معرفت

۴۵۸ ۷. نتیجه بخش سوم: فلسفه اخلاق، معرفت‌شناسی و روان‌شناسی - -

۴۶۵ کتاب‌شناسی -

۴۸۳ نمایه اشخاص -

۴۸۹ نمایه موضوعات -

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

متن انگلیسی فضایل ذهن نخستین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر شد.^۱ پیش از انتشار آن، معرفت‌شناسی فضیلت^۲ از طریق نوشته‌های برخی معرفت‌شناسان برجسته^۳، از جمله ارنست سوسا^۴، به جامعه فلسفی معرفی شده بود. با این حال، انتشار آن نقطه عطفی در تاریخ نه‌چندان بلند این نگرش معرفت‌شناختی شمرده می‌شود. از پس انتشار آن بود که معرفت‌شناسی فضیلت را برابر با شخصیت‌های مختلف آن، به دو قسم «اعتمادگرایانه»^۵ و «مسئولیت‌گرایانه/ مبتنی بر منش»^۵ تقسیم کردند. گرچه نمی‌توان بین این دو تمایز قاطع افکند، با انتشار فضایل ذهن روایت مسئولیت‌گرایانه از معرفت‌شناسی فضیلت قوت بسیاری یافت، به گونه‌ای که اینک می‌توان این روایت را به غالب و نماینده معرفت‌شناسی فضیلت شمرد. به‌رغم گذر دو دهه از انتشار متن انگلیسی این کتاب، مطالب آن همچنان بدیع، چشمگیر و خلاقانه به نظر می‌رسد و ذهن و حیات شناختی خواننده را به سوی آراستگی به فضیلت‌های فکری و گسترش افق معرفتی فرامی‌خواند.

1. Zagzebski, Linda Trinkaus, *Virtues of the Mind: An Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundations of Knowledge*, Cambridge: Cambridge University Press, 1996.

2. virtue epistemology

3. Ernest Sosa

4. virtue reliabilism

5. virtue responsibilism/character-based virtue epistemology

به نظر من، فضایل ذهن دست‌کم از چهار نظر اهمیت اساسی دارد:
۱. اندیشه‌کانونی کتاب، یعنی بسط قلمرو اخلاق و گستراندن آن بر حوزه فعالیت شناختی، گرچه پیشینه‌ای در تاریخ فلسفه و معرفت‌شناسی دارد، در این کتاب به صورتی دقیق و بدیع بیان شده است. دقت کار از ظرافت استدلال‌های نویسنده و تلاش او برای فرض و طرح دیدگاه‌های رقیب و ارزیابی نقادانه آنها پیداست و بدیع بودن آن بدین معناست که این کتاب نخستین تلاش آگاهانه و کامل برای بهره‌جستن از نظریه اخلاقی فضیلت در معرفت‌شناسی است.

۲. فصل دوم کتاب به تبیین نظریه فضیلت زگزیسکی اختصاص دارد. این نظریه یکی از تلاش‌های مهم برای فهم فضیلت از زمان ظهور دوباره اخلاق فضیلت^۱ است. برخلاف تفاوت‌های اخلاقی خاص نظریه زگزیسکی با دیگر دیدگاه‌های فضیلت‌گرایانه، آنچه این نظریه را ممتاز می‌سازد توجه به «فضیلت‌های فکری»^۲ یعنی فضیلت‌های حاکم بر ساحت شناختی فاعل اخلاقی است که هم در نظریه نه‌فرضی^۳ فضیلت و هم در نظریه‌های جدید تا حد زیادی مغفول مانده است. در این کتاب نظریه فضیلت صرفاً با توجه به فضیلت‌های اخلاقی^۴ سنتی پرورنده نشاء بدیهی^۵ مؤلف بر آن است که نگرشی جامع در مورد مفهوم فضیلت و مؤلفه‌های آن ارائه کند که فضیلت‌های فکری را به مثابه صورتی مهم از فضیلت‌های اخلاقی دربرگیرد. علاوه بر این، او در مواضعی به ربط و نسبت‌های درونی این فضایل و حالات‌های آنها برای یکدیگر نیز پرداخته است.

۳. در سراسر کتاب، نویسنده می‌کوشد زمینه انسانی بحث اخلاقی و معرفت‌شناختی خود را با کمک گرفتن از مثال‌هایی برگرفته از هنر و ادبیات پررنگ کند. این شیوه طرح بحث، چنان‌که او خود در جایی به آن اشاره کرده است، در نقطه مقابل گرایشی در بین معرفت‌شناسان معاصر

1. virtue ethics

2. intellectual virtues

3. moral virtues

است که در پیگیری رویکرد مبتنی بر طرح مثال‌ها و مثال‌های نقض متوالی، موقعیت‌هایی جعل می‌کنند که گرچه پیچیده و هوشمندانه‌اند، از زندگی متعارف انسانی فاصله بسیاری دارند، به گونه‌ای که در نهایت، باور و معرفت را از سیاق حیات انسانی خارج می‌سازند. زگزبسکی با نگرشی به اخلاق و معرفت‌شناسی (و حتی شاید بتوان گفت همه زمینه‌های فلسفی) همدل است که در سال‌های اخیر، به‌ویژه نزد نظریه‌پردازان فضیلت، قوت یافته و ادبیات و هنر را زمینه‌ای مناسب برای تأمل فلسفی می‌داند. از این رو، نحوه استفاده او از مثال‌های برگرفته از ادبیاتِ روایی و سینما می‌تواند برای خواننده جالب و تأمل‌برانگیز باشد.

۴. چنان‌که در ابتدا آوردم، انتشار فضایل ذهن نقطه عطفی در تاریخ معرفت‌شناسی فزیس است. از پس انتشار این کتاب و زیر نفوذ آن، دیدگاه‌های دیگر در چارچوب این رویکرد جدید معرفت‌شناختی شکل گرفته است که مدافعان آنها تلاش می‌کنند با تدقیق و تعمیق استدلال‌ها و ادعاهای این رویکرد، معرفت‌شناسی را به راه‌هایی طی نشده سوق دهند. برخی از دیدگاه‌های فضیلت‌گرایانی که در دهه اخیر مطرح شده‌اند، بر آن‌اند که مسائل اصلی و مهم معرفت‌شناسی آنایی نیستند که تاکنون مورد توجه بوده‌اند و باید مسیر این زمینه فلسفی را به‌تنهایی تغییر داد. این ادعا نسبت به مواضع زگزبسکی افراطی و رادیکال است. اگر فرض کنیم که قائلان به این نظر در پی انقلابی در معرفت‌شناسی است، از نگاه رایج گفت که برخی دیگر از معرفت‌شناسان فضیلت روشی اصلاحی در پیش گرفته‌اند؛ یعنی بر آن‌اند که معرفت‌شناسی دانشی مشتمل بر مسائل معهود و البته برخی مسائل مهم جدید است. آنچه اهمیت دارد تغییر نگرش ما به گونه‌ای است که بتواند این هر دو قسم مسئله را توضیح دهد و برای آنها چاره بجوید. مطالعه فضایل ذهن نشان می‌دهد که زگزبسکی بیشتر با روش

۱. برای نمونه نک.

اصلاحی همدل است. با این حال، اندیشه‌های نقادانه عرضه‌شده در کتاب، به‌ویژه در زمان انتشار آن، به گونه‌ای بود که تأثیر قابل‌توجه و ماندگاری بر رشد معرفت‌شناسی فضیلت و جهت‌گیری‌های آن، از جمله دیدگاه‌های رادیکال، نهاد. رجوع به مکتوبات پدیدآمده از پس انتشار فضایل ذهن این تأثیر گسترده را آشکار می‌کند.

انتشار ترجمه فارسی فضایل ذهن، به گمان من، برای جامعه فلسفی ایران نیز مهم است. در سال‌های اخیر، آثار متنوعی در فلسفه اخلاق و معرفت‌شناسی در ایران منتشر شده که بر گسترش فکر فلسفی در جامعه ما تأثیری آشکار داشته است. با این حال، تاکنون نوشته‌های چندانی از پیشگامان معرفت‌شناسی معاصر، به‌صورت فضیلت انتشار نیافته است. این کتاب، که از مهم‌ترین کتاب‌های معرفت‌شناسی در سده گذشته است، یکی از نخستین آثاری است که در حوزه معرفت‌شناسی فضیلت در ایران ترجمه و منتشر می‌شود و اولاً، می‌تواند راه را برای سایر پژوهش‌های دیگر در اندیشیدن به مسائل اخلاقی و معرفت‌شناختی آسان‌تر کند و بر تنوع و غنای مباحث در جامعه فلسفی ما بیفزاید و ثانیاً، طرح فکری آن می‌تواند اندیشه ما را، در پیوند با میراث فلسفیمان، به راه‌هایی جدید بینداند. توجه به سنت فلسفی، امکان قرائت‌های جدید از آن و استفاده از آن برای توضیح، رفع برخی مسائل امروزی در سراسر این کتاب مشهود است. دلیلی ندارد که ما نتوانیم سنت فلسفی خود را بدین شکل بازنگریم. این کتاب می‌تواند کمک کند، برای این بازنگری در اختیار ما نهد.

فضایل ذهن را نخست در تحقیقات مربوط به رساله دکترم با عنوان «اخلاق باور دینی در تعامل با معرفت‌شناسی فضیلت‌گرایانه زگزیبسکی» خواندم. در فصل سوم آن رساله، گزارشی شرح‌گونه، همراه با بررسی برخی انتقادهای از اندیشه‌های زگزیبسکی در این کتاب و نوشته‌های متأخر او، به‌ویژه کتاب مرجعیت معرفتی، آمده است. خواننده علاقه‌مند

می‌تواند برای توضیح و آگاهی بیشتر و نیز ملاحظه گونه‌ای از کاربرد معرفت‌شناسی فضیلت در بحث از اخلاق باور به طور عام، و اخلاق باور دینی به طور خاص، به آن نوشته مراجعه کند که متن بازنگریسته آن به‌زودی در قالب کتاب منتشر خواهد شد. چه در نگارش آن رساله و چه در ترجمه این کتاب، مرهون لطف و راهنمایی مشفقانه و سخاوتمندانه استاد لیندا زگربسکی بوده‌ام. از ایشان بسیار سپاسگزارم.

ترجمه فضایل ذهن با کمک بی‌دریغ دوست عزیزم دکتر بابک عباسی به اتمام رسید که با وسواس و صبری ستودنی ترجمه را با متن انگلیسی نظرسنجی داد و در مقام ویراستار بر دقت و شیوایی آن فراوان افزود. از او بی‌نهایت سپاس دارم. از دوست عزیزم فاطمه دومانلو نیز متشکرم که در حل برخی شکلات ترجمه به من کمک کرد. دیگر دوستان نکته‌سنجم دکتر مالک حسینی و دکتر نسیم شیخ‌رضائی راهنمایی‌های بسیار مؤثری برای اصلاح و انتشار این کتاب کردند. از ایشان نیز بسیار سپاسگزارم. سپاس پایانی من از همسر، غزاله حاج‌آبادی است که در سراسر کار مرا یاری کرد. لطف و حمایت او، مانند همیشه، فایده‌بخش‌اشدنی است.

ترجمه این کتاب را با یاد پدرم به انجام رساندم که اندیشه و عملش مصداقی از این سخن ارسطو بوده است:

نزد شخص فضیلتمند یک سال زندگی شرافتمندانه برتر از سیالیانی زندگی معمولی است. او ترجیح می‌دهد یک عمل بزرگ و شریف را به سیالیان بدهد تا اعمال بی‌اهمیت بسیار. آنان که برای آرمانی می‌میرند، چه بسا به این حال دست می‌یابند. روشن است که آنان بزرگ‌ترین شرافتمندانند. برای خود برمی‌گزینند.^۱

امیرحسین خداپرست

تهران، پاییز ۱۳۹۴

1. Aristotle, *Nicomachean Ethics*, Translated by M. Ostwald, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 1962, 1169a 20–30.

مقدمه

عمیق‌ترین بحث در معرفت‌شناسی بر مفاهیمی تمرکز دارند که به‌وضوح مفاهیمی اخلاقی را در غالباً به‌طور مستقیم از گفتمان اخلاق نظری گرفته شده‌اند. ما به‌طور مکرر اشاره می‌یابیم به وظیفه معرفتی^۱ یا مسئولیت معرفتی^۲، به این واقعیت که باید راه‌ها و ابهامان را به نحوی خاص شکل دهیم، اینکه فلان شیوه باور آوردن خوب است یا بدست‌کم از شیوه‌ای دیگر بهتر است و اخیراً اشاراتی می‌بینیم به اندیشه فضیلت، فکری. اما غالباً در مورد این واقعیت کمتر تأمل می‌کنند یا دغدغه دارند که این است این مفاهیم از نوعی نظریه اخلاق گرفته شده باشد، و اینکه هر مثلاً در آن نظریه می‌تواند بر تحقیق معرفت‌شناختی تأثیر نامطلوب بگذارد، از این‌دور، مزایای آن نظریه نیز می‌تواند مزایایی برای معرفت‌شناسی به همراه داشته باشد.

تقریباً همه نظریه‌های معرفت‌شناختی از نظریه‌های اخلاق عملاً این‌گونه الگو گرفته‌اند. وقتی الگوی آنها اخلاق وظیفه‌گرایانه^۳ است، این مسئله معمولاً بسیار واضح است. آنچه وضوح کمتری دارد این واقعیت است که نظریه محبوب اعتمادگرایی^۴ از لحاظ ساختاری مشابه پیامدگرایی^۵ است.

1. epistemic duty

3. act-based moral theories

5. reliabilism

2. epistemic responsibility

4. deontological ethics

6. consequentialism

تا جایی که من می‌دانم، هیچ نظریه معرفت‌شناختی‌ای دقیقاً نظریه فضیلت محض^۱ را الگو نگرفته است. ارنست سوسا اندیشه فضیلت فکری را وارد مکتوبات معرفت‌شناسی کرد، اما بیش از ذکری از ارتباط آن با اخلاق فضیلت کاری نکرد و در پی آن، از «معرفت‌شناسی فضیلت» به مثابه نامی دیگر برای اعتمادگرایی استفاده شد. آثار لورین کد^۲ و جیمز مونتمارکت^۳ به پیوند دادن معرفت‌شناسی با اخلاق فضیلت نزدیک‌تر شد، اما هیچ‌یک از آنان مفهوم فضیلت معرفتی را از پیشینه اخلاق فضیلت اخذ نکردند یا چندان بر نداشتند. این خاستگاه‌هاست چون در چند دهه اخیر، پس از غفلتی مدید، علاقه به اخلاق فضیلت شکوفا شده است. اگر نظریه اخلاق فضیلت‌بنیاد^۴ بر نظریه عمل‌بنیاد مزایا^۵ استوار باشد، نگاه دقیق به این نوع نظریه به منظور کمک گرفتن از آن برای پورانده مفاهیم مورد نیاز در تحلیل معرفت^۶ و باور موجه^۷ روشن‌تر خواهد بود. پس، چون استفاده از الگوی عمل‌بنیاد در تحلیل توجیه به بن‌بست بین درون‌گرایان^۸ و برون‌گرایان^۹ انجامیده، اکنون زمان مناسبی برای پژوهش در رویکردهای جدید فرا رسیده است.

کانون نظریه پیشنهادی من مفهوم فضیلت فکری است. متأسفانه، فیلسوفان به فضیلت‌های فکری توجه چندانی نکرده‌اند. این غفلت به فلسفه معاصر منحصر نمی‌شود و در سراسر تاریخ فلسفه جاری است. البته فیلسوفان اخلاق فضیلت را به تفصیل بررسی‌ده‌اند اما در آن‌ها نکات واقعی که از فضیلت فکری ذکری به میان آورده‌اند، تقریباً همواره به فضیلت ارسطویی فرونسیس^{۱۰}، یا حکمت عملی^{۱۱}، پرداخته‌اند اما این فضیلت فقط به سبب ارتباط فرونسیس و فضیلت‌های اخلاقی سنتی نزد ارسطو جلب

1. pure virtue theory

3. James Montmarquet

5. knowledge

7. internalists

9. phronesis

2. Lorraine Code

4. virtue-based ethical theory

6. justified belief

8. externalists

10. practical wisdom

توجه کرده است. دیگر فضیلت‌های فکری را معمولاً به‌کلی نادیده گرفته‌اند. روشن است که رویکرد فضیلت‌شناختی حقیقی به معرفت‌شناسی نیازمند نظریه فضیلتی است که جایگاه شایسته فضیلت‌های فکری را به آنها بدهد. من در اینجا، نظریه فضیلتی را می‌پرورانم که آن‌قدر جامع هست که در نظریه‌ای واحد به فضیلت‌های فکری و نیز فضیلت‌های اخلاقی بپردازد و سپس، نشان می‌دهم که چگونه می‌توان از چنین نظریه‌ای در تحلیل برخی از مفاهیم اصلی معرفت‌شناسی هنجاری^۱، از جمله مفاهیم معرفت و باور، استفاده کرد.

در این کتاب، استدلال خواهم کرد که رابطه بین ارزیابی فعالیت شناختی^۲، ارزیابی افعال جوارحی^۳، که معمولاً در حوزه فلسفه اخلاق جای می‌گیرد، حسی بیش از شباهت است. من استدلال خواهم آورد که فضیلت‌های فکری همان به معنای ارسطویی فضیلت‌های اخلاقی شبیه‌اند که نباید آنها را به مثابه دو نوع فضیلت متفاوت نگریست. فضیلت‌های فکری، در واقع، صورت‌هایی از فضیلت‌های اخلاقی‌اند. در نتیجه، می‌توان فضیلت‌های فکری را به‌درستی موضوع مطالعه فلسفه اخلاق دانست. مقصود از این مدعا تقلیل مفاهیم معرفتی به مفاهیم اخلاقی نیست، بدان شیوه که گاهی کسانی در جهت آن کوشیده‌اند، بلکه گسترش طیف مفاهیم اخلاقی است تا آنجا که بُعد اخلاقی فعالیت شناختی را دربرگیرند. در عین حال، این نظریه فقط مشاجره‌ای معناساختی در باره معنای واژه «اخلاقی»^۴ نیست. اگر حق با من باشد، معرفت‌شناسی هنجاری شانه‌ای از فلسفه اخلاق است و هر یک از این رشته‌ها، با نادیده گرفتن آن دیگری، خود را به خطر می‌افکند.

در نهایت، استدلال خواهم کرد که فضیلت فکری نخستین مؤلفه هنجاری

1. normative epistemology
3. overt acts

2. cognitive activity
4. moral

باور موجه و معرفت است. موجه بودن باورها همان‌گونه با فضیلت فکری مرتبط است که، در اخلاق فضیلت، درستی افعال با فضیلت اخلاقی مرتبط است. در هر دو مورد، فضیلت است که اساسی‌تر است. من معرفت را به آن تماس شناختی با واقعیت تعریف می‌کنم که از چیزی نشئت می‌گیرد که «اعمال متضمن فضیلت فکری»^۱ می‌نامم. این نظریه جایگاهی برجسته به فضیلت فرونسیس می‌دهد، فضیلتی که کارکرد نخستین آن وساطت در بین فضیلت‌های اخلاقی و فکری و در میان کل گستره این دو گروه از فضاهاست. امیدوارم این طرح نشان دهد که چگونه، به برخی از همان دلایلی که نظریه اخلاق فضیلت‌بنیاد بر نظریه اخلاق عمل‌بنیاد ترجیح دارد، معرفت‌شناسی فضیلت‌بنیاد بر معرفت‌شناسی عمل‌بنیاد ترجیح دارد.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است. بخش نخست در باب فرامعرفت‌شناسی^۲ است. بخش دوم در باب اخلاق هنجاری^۳ است و بخش سوم در باب معرفت‌شناسی هنجاری. در بخش نخست، برخی مسائل را در معرفت‌شناسی منصر بر می‌رسم و مزایای رویکرد فضیلت‌گرایانه را، که در این کتاب پیش‌گذاشته‌ام، نشان می‌دهم. در بخش دوم، نظریه‌ای درباره فضیلت و رذیلت^۴ می‌پرویم که آن قدر وسیع هست که بتواند ارزیابی فعالیت شناختی را متکفل سود. در این بخش، می‌کوشم تحلیل ساختار فضیلت را فراتر از وضع فعلیش در روش‌های معاصر پیش ببرم و دلایلی برای دیدگاهی درباره روان‌شناسی انسان فراهم کنم که در آن نمی‌توان فعالیت شناختی را به طور قاطع از حالات احساسی و انگیزش‌ها تفکیک کرد. در این بخش، همچنین، بر این نظریه استدلال می‌آورم که فضیلت‌های فکری صورت‌هایی از فضیلت اخلاقی‌اند. سپس، نشان می‌دهم که چگونه می‌توان مفاهیم وظیفه‌شناسانه^۵ باور موجه و

1. acts of intellectual virtue

2. metaepistemology

3. normative ethics

4. vice

5. deontic

وظیفه معرفتی را به همان شیوه برحسب فضیلت‌های فکری تعریف کرد که مفاهیم وظیفه‌شناسانه عمل درست^۱ و وظیفه اخلاقی را می‌توان برحسب مفهوم سنتی فضیلت اخلاقی تعریف کرد. در بخش سوم، تبیین خودم از فضیلت فکری را در مورد پرسش نخستین معرفت‌شناسی، یعنی این پرسش به کار می‌برم که شخص در چه حالتی واجد معرفت است. انتقادهایی بر برخی نظریه‌های مهم متأخر مطرح می‌کنم که برحسب «معرفت‌شناسی فضیلت» بر خود دارند، اشکال‌های قابل پیش‌بینی بر نظریه‌ها را پاسخ می‌دهم، نشان می‌دهم که چگونه نظریه‌ای که پیشنهاد کرده‌ام از اشکال^۲ های گتیه در امان است و با طرح برخی گمانه‌ها در باب روابط میان دانش‌های فلسفه اخلاق، معرفت‌شناسی و نظریه شناختی بحث را خاتمه می‌دهم.

در این تحقیق، با این پرسش‌های دیرینه معرفت‌شناسی نپرداختم: ساختار اعتقادی عقلانی^۳ چگونه اختاری است؟ یعنی، چگونه باید در مورد الگوهای رقیبی تصمیم بگیریم که بنیادگرایی^۴، انسجام‌گرایی^۵ و اقسام آنها پیش می‌نهند؟ به این پرسش هم سعی نکردم پاسخ بدهم که منشأ معرفت چیست. یعنی، چگونه باید در مورد تئوری^۶، عقل‌گرایی و دیگر نظریه‌ها در باب مبنای دستیابی به معرفت تصمیم بگیریم؟ در مورد نوعی از معرفت هم که نمی‌تواند ذیل مقوله معرفت گزاره‌ای^۷ قرار گیرد چندان چیزی نگفتم. نادیده گرفتن صورت‌هایی از معرفت به جز معرفت گزاره‌ای غالباً تبیین‌های مربوط به معرفت را مخدوش ساخته است و من می‌خواهم از این خطر آگاه باشم. نظریه جامع معرفت باید هم معرفت گزاره‌ای^۸ و هم معرفت غیرگزاره‌ای را دربرگیرد، اما موضوع تحقیق این کتاب نوع اخیر معرفت نیست.

1. right act

3. foundationalism

5. knowing-that

2. a rational doxastic structure

4. coherentism

6. propositional knowledge



من در رویکرد خود تلقی مرسوم از مفهوم معرفت در سراسر تاریخ فلسفه را جدی می‌گیرم، اما در عین حال، آن را با دغدغه‌های اصلی معرفت‌شناسی معاصر (مثل مناقشه درون‌گرایی/ برون‌گرایی و اشکال‌های گتیه) مرتبط می‌سازم. رویکرد من به تحلیل فضیلت معطوف به همین ترکیب خواهد بود، یعنی تلفیق دغدغه نسبت به سنت تاریخی و آگاهی از سائلی نظری که اخیراً در فلسفه اخلاق بسیار به آنها توجه شده است (مثل بخت اخلاقی^۱ و گستره امر اخلاقی^۲). مثال‌ها و مثال‌های نقض من نیز به همین خاص و یگانه تخیل فیلسوفان منحصر نمی‌شود، بلکه از ادبیات، از تاریخ فلسفه یا از تجربه روزمره برمی‌آید. هدفم این است که نشان دهم نظریه مضامین محض چگونه می‌تواند چنان غنی باشد که مبانی معرفت‌شناسی هابرماس را فراهم آورد.